



اعتراف زوج موتورسوار به سرقت گوشی های تلفن همراه

زوج شیشه ای که سوار بر موتورسیکلت هوندا اقدام به سرقت گوشی تلفن همراه در نقاط مختلف تهران می کردند، بازداشت شدند. به گزارش خبرنگار مان، این پرونده همزمان با طرح شکایت‌های مشابه در باره سرقت‌های گوشی تلفن همراه توسط زن و مردی موتورسوار روی میز کار آگاهان پایگاه هشتم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت. براساس اوراق پرونده شاکیان در نقاط مختلف تهران از جمله خیابان‌های نواب، انقلاب، سی‌تری جی و میدان خر هدف سرقت از سوی زن و مرد موتور سوار قرار گرفته بودند. یکی از شاکیان گفت: در حال عبور از خیابان سی‌تری جی مشغول حرف زدن با گوشی تلفن همراه بودم که ترک‌نشین یک موتورسیکلت هوندا که زن جوانی بود گوشی‌ام را قاپ زد. خواستم پلاک موتور را یادداشت کنم که متوجه شدم پلاک آن مخدوش شده است. کارآگاهان پلیس بعد از بررسی شکایت‌های مطرح شده موفق شدند مخفیگاه زن و مرد سارق را در سهرامه مقدم شناسایی و آنها را بازداشت کنند. نیما و سارا که زن و شوهر بودند به سرقت بیش از ۵۰ گوشی تلفن همراه اعتراف کردند. نیما که از مجرم سابقه‌دار بود مدعی شد که همسرش او را مجبور به ارتکاب سرقت کرده است. او گفت: ما هر دو به مصرف شیشه اعتیاد داریم و برای تهیه مواد با هزینه زندگی پول نداشتیم برای همین مجبور به سرقت شدیم. نیما گفت: من شش ماه قبل بعد از تحمل چندماه حبس از زندان آزاد شدم. از آن زمان بود که به پیشنهاد همسر سرپال سرقت‌هایمان را شروع کردیم تا اینکه بازداشت شدیم. سرهنگ کارآگاه عزیزخانی، فرمانده پایگاه هشتم پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: تحقیقات بیشتر از دو متهم به دستور قاضی شعبه دهم بازپرسی ناحیه دهم دادسرای تهران در پایگاه هشتم پلیس آگاهی تهران ادامه دارد.

سختگیری بیش از حد بانک‌ها برای ارائه تسهیلات به شهروندان زمینه فعالیت‌های مجرمانه بسیاری را برای تبهکاران فراهم می‌کند. بسیاری از شهروندان سرخورده از این سختگیری‌های بی‌مورد به افراد و شرکتهایی اعتماد می‌کنند که اندک سرما به‌پایشان را هم از دست آنها خارج می‌کنند. یکی از این افراد تبهکار مرد ۳۴ساله‌ای به نام احسان است که با فریب متقاضیان دریافت وام بیش از یکصدمیلیارد تومان به جیب زده است. به گزارش خبرنگار ما، چندی قبل شکایت‌های مشابهی علیه متهم ۳۴ساله ک احسان ع نام دارد به پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ گزارش شد. بررسی شکایت‌های مطرح شده نشان داد که احسان از مجرمان حرفه‌ای است که با تأسیس شرکت‌های کاغذی در زمینه پرداخت وام، مشتریان را فریب داده و از آنها کلاهبرداری می‌کند. یکی از شاکیان گفت: مدتی بود که دنبال تهیه یک وام یکمیلیارد تومانی بودم. بانک‌ها اما شرایط سختی برای پرداخت داشتند و درصد اقساطشان بالا بود. بعد از تحقیق متوجه تبلیغات یک شرکت ارائه دهنده وام در روزنامه‌ها و فضای مجازی شدم. برای همین با دفتر شرکت تماس گرفتم و بعد از پرسیدن شرایط اعطای وام، راهی دفتر شرکت شدم. در آنجا با چند نفر از مشاوران اعطای وام که دختران جوانی بودند حرف زد. یکی از مشاوران گفت شرکت وام را به من پرداخت می‌کند و من هم یک سال بعد دریافت‌وام به‌شرکت مراجعه کرده‌وام را تسویه می‌کنم. بعد از قبول شرایط دریافت وام، سند خانه و کلیه اوراق هویتی‌ام را در اختیار مشاوران شرکت گذاشتم و منتظر ماندن تا پول به حسابم واریز شود. مدتی از موعد تعیین شده برای واریز



کلاهبرداری ۱۰۰ میلیاردی از متقاضیان دریافت وام

وام گذشت اما خبری از پول نبود برای همین با شرکت تماس گرفتم اما کسی گوشی را برنداشت. نگران شدم و خودم را به دفتر شرکت رساندم. وقتی به شرکت رسیدم چند نفر آنجا تجمع کرده بودند. علت را که سؤال کردم گفتند که مدیر شرکت کلاهبردار بوده و فرار کرده است. شاکی ادامه داد: این پایان ماجرا نبود؛ چراکه چند روز بعد مدیر حقوقی یکی از بانک‌ها به در خانه‌مان مراجعه کرد و گفت که بانکی خانه‌ام را مصادره کرده است. علت را که سؤال کردم گفت من از بانک وام کلان گرفتم‌ام و سند خانه‌ام هم گروی بانک است و از آنجا که اقساط را پرداخت نکردم بانک ملزم به مصادره کردن خانه شده است!

آن با دایر کردن شرکت در محلی تازه دوباره به فعالیت مجرمانه اش ادامه می‌داد. در حالی که هر روز بر تعداد شاکیان اضافه می‌شد کار آگاهان پلیس موفق شدند آخرین مخفیگاه احسان را در خیابان نلسون ماندلا شناسایی و او را بازداشت کنند. متهم در بازجویی‌ها به کلاهبرداری‌های میلیاردری اعتراف کرد و گفت: بعد از راهاندازی شرکت کاغذی شروع به تبلیغات گسترده برای پرداخت وام ۰۰۰ همتی تا یک میلیارد تومان با بازپرداخت یکساله در روزنامه‌ها و فضای مجازی می‌کردم. وقتی متقاضیان به دفتر می‌آمدند اسناد ملکی‌شان را می‌گرفتم و با اوراق هویتی آنها وام‌های کلان می‌گرفتم. در مرحله بعد که موعد پرداخت اقساط فرار می‌رسید شرکت را تعطیل می‌کردم و در محل دیگری فعالیت خودم را شروع می‌کردم. بانک هم با افزایش بدهی اقساط به سراغ مالک اسناد در شایعه دیگری از تحقیقات کارآگاهان با بررسی حساب‌های بانکی احسان متوجه شدند بر او رد اولیه ارزش مالی پرونده بیش از یکصدمیلیارد تومان است که تحقیقات برای شناسایی شاکیان پرونده در جریان است. سردار علیرضا لطفی، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: متهم از شرکت‌های کاغذی با عناوین مختلف برای کلاهبرداری‌های خود استفاده می‌کرد. یکی از شرکت‌هایی که متهم از آن برای دهها کلاهبرداری استفاده کرده است شرکتی به نام جامعه هدف‌دار است. بنابراین افرادی که به این شیوه از آنها کلاهبرداری شده است برای طرح شکایت و پیگیری پرونده خود به آره چهاردهم پلیس آگاهی تهران بزرگ در خیابان وحدت اسلامی مراجعه کنند.



ردپای سارق متجاوز در پرونده‌های تازه

رد پای سارق متجاوزی که در جریان سرقت به ۱۰کودک و دوزن تعرض کرده در پرونده‌های دیگر هم بررسی می‌شود. به گزارش خبرنگار ما، متهم بیشتر طعمه‌های خود را که کودکان بودند از جنوب تهران انتخاب می‌کرد و زمانی که متوجه می‌شد کودکی در خانه‌شان تنها است به بهانه اینکه به پدر کودک بدهی دارد و برای او پول آورده است وارد خانه می‌شد و با تهدید چاقو دست و پای کودک را می‌بست و پس از تعرض طلاها و پول‌های آنها را سرقت می‌کرد. متهم در حالی که به ۱۰کودک و دوزن پس از سرقت تعرض کرده بود از سوی مأموران به دستور قاضی شهریاری، سرپرست دادسرای امورجنایی تهران شناسایی و دستگیر شد.

بررسی هانشان داد اولین شکایت‌ها از متهم شیطان صفت به جرم سرقت و آزار و اذیت کودکان از دو ماه پیش مطرح شده و در دستور کار مأموران پلیس قرار گرفته است. همچنین مشخص شد متهم که مرد ۳۲ساله‌ای به نام عارف است دارای چندین فقره سابقه کیفری است که حدود چندماه قبل از زندان آزاد می‌شود اما مدتی بعد به خاطر اعتیاد به مواد مخدر شیشه به مدت پنج‌ماه در کمی برای ترک اعتیاد بستری می‌شود و در نهایت دوماه قبل پس از بیرون آمدن از کمپ جرائم سریالی خود را آغاز می‌کند. همچنین تحقیقات مأموران حکایت از این داشت متهم هر بار لباس‌های خود را عوض می‌کرده و لباس‌های جدیدی می‌پوشیده و در بعضی از سرقت‌ها برای اینکه شناسایی نشود از کلاه گیس استفاده می‌کرده است. وی در یک مورد هم اشتباهی برای سرقت وارد مهند کودکی می‌شود وقتی با مقاومت مربی مهد روبه‌رو می‌شود با زخمی کردن وی از محل فرار می‌کند. در حالی که تحقیقات از متهم برای شناسایی قربانیان این حادثه ادامه دارد. مأموران به رد پای متهم در چند پرونده دیگر که برای خانواده‌هایی در خیابان غربی تهران رخ داده است روبه‌رو شدند که نشان می‌دهد متهم در خیابان‌های غربی تهران هم دست به جنایت زده‌است.



پزشک اخراجی ۱۰۰ میلیون تومان خسارت زد

یک پزشک اخراجی از بیمارستان شهرستان داراب با حضور در این مرکز درمانی، خساراتی وارد کرد که پیراورد اولیه آن حدود ۱۰۰میلیون تومان است. رئیس بیمارستان امام حسن مجتبی(ع) شهر داراب به این گفت: این پزشک پنج‌ماه قبل به دلیل برخی موارد نامطلوب در عملکرد، اخراج شده بود. دکتر فرزین بابایی ادامه داد: این فرد روز جمعه ۱۴دی ماه جاری پس از بحث لفظی با کارکنان بیمارستان در این روز تعطیل، چند دستگاه نمایشگر رایانه و دستگاه‌های دیگر بیمارستان را تخریب کرده و از محل خارج شد که در جاده داراب - شیراز بازداشت شد. رئیس بیمارستان داراب اظهار داشت: پرسندهای برای این فرد تشکیل شده و در حال پیگیری قضایی است. در شبکه‌های اجتماعی گفته شده‌است که این فرد مطالبات پرداخت نشده از مهر ۹۶ با این بیمارستان دارد.



مرگ راننده اتوبوس بارها شدن جک

راننده یک دستگاه اتوبوس هنگام پنج‌رگیری پیراثر رها شدن جک، جان خود را از دست داد. سهرنگ مهدی فضل‌علیشاه، فرمانده انتظامی شهرستان ساولجیلخ گفت: در پی اعلام مرکز فورت‌های پلیسی ۱۱۰ مینوی بر فوت راننده یک دستگاه اتوبوس در شهر هشتگرد، مأموران کلانتری مرکز، برای بررسی موضوع به محل حادثه اعزام شدند. وی افزود: پس از حضور مأموران در محل مشخص شد، لاستیک سمت شاگرد یک دستگاه اتوبوس شهری که در مسیر هشتگرد - ساولجیلخ در حال تردد بود پنجر ششده، راننده که به منظور رفع نقص فنی اقدام به تعیمه جک در زیر اتوبوس و تعویض لاستیک کرده بود به علت شب‌چاهه، رها شدن ناگهانی جک تعبیه شده و قرار گرفتن دیفرانسیل خودرو روی قفسه سینیاش جان باخت.

متهمان تحت تعقیب در جریان خرید و فروش مواد مخدر مرتکب قتل شده بودند

پلیس در یک مخفیگاه ۲ قاتل شکار کرد

بسیاری از افرادی که مرتکب قتل می‌شوند پس از حادثه از محل متواری می‌شوند. آنها در بهترین حالت به مدت چند سال موفق می‌شوند به دور از چشم پلیس برای خودشان به صورت مخفیانه زندگی کنند اما تجربه نشان داده است که دست قانون سرانجام گریبان این افراد را خواهد گرفت. در جریان یکی از پرونده‌های قتل که یک‌سال قبل اتفاق افتاد، عامل حادثه موفق به فرار از دست پلیس شد اما مأموران موفق شدند مخفیگاه او را در شهرستان گرمسار شناسایی کنند. وقتی مأموران وارد مخفیگاه متهم شدند موفق شدند هم اتاقی او را که وی به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۶:۲۰ شانزدهم آبان‌سال گذشته قاضی منافی‌آذر، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۷۹ خلیج‌فارس از قتل مرد جوانی با خیر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد. تیم جنایی در بیمارستان فیاض‌بخش با جسد مرد ۳۲ساله‌ای به نام شمس‌روبه‌رو شدند که باصابت چند گلوله به قتل رسیده بود. نخستین بررسی‌ها نشان داد مقتول لحظاتی قبل در مسیر شرق به غرب بزرگراه آزادگان، خروجی اتوبان خلیج‌فارس با شلیک چند گلوله مرد آشنایی روبه‌روی ششمان فرزند خردسالش زخمی شده که پس از انتقال به بیمارستان بر اثر شدت خونریزی فوت می‌کند. پسر دایی مقتول که شاهد حادثه خونین بود، گفت: ساعت ۱۵ عصر بود که با پسر عمعم (شمس) تماس گرفتم و به او گفتم که در قهوه‌خانه‌ای حوالی آزادگان منتظر او هستم تا با هم قلیان بکشیم. دقایقی بعد پسر عمعم با پسر سه‌ساله‌اش به قهوه‌خانه آمدند. در حال قلیان کشیدن بودیم که تلفن همراهش زنگ خورد و گفت باید به خانه‌اش برود و با خودروی ۲۰۶ و به طرف خانه‌اش به افراتادیم



کارگر و کارفرما قتل را گردن هم انداختند

مردی که در جریان رقابت کاری شریک خود را به قتل رسانده در جلسه محاکمه قتل را به گردن کارگر خود انداخت. مرد کارگر هم مدعی شد که نقشی در جریان قتل ندارد و کارفرمای او مرتکب جنایت شده است. به گزارش خبرنگار ما، سیست و پنجم اردیبهشت‌سال ۹۵ مأموران پلیس ورامین از ناپدید شدن مرد جوانی به نام کریم باخبر شدند. با اعلام این خبر، تحقیقات برای یافتن مرد جوان آغاز شد تا اینکه خبر رسید حوالی شهر جسد سوخته مرد جوانی کشف شده‌است. با انتقال جسد به پزشکی قانونی و تشخیص هویت مشخص شد جثه متعلق به همان مرد جوانی است که اعلام مفقودی شده بود. به این ترتیب پرونده با موضوع قتل عمد در دستور کار قرار گرفت و در اولین گام از تحقیقات مشخص شد مقتول که مردی اقدان بود با یکی از دوستان ایرانی‌اش به نام عرشیا اختلاف داشته است. به این ترتیب مرادیرانی به عنوان مظنون تحت تعقیب قرار گرفت و هفت‌ماه بعد از کشف جسد بازداشت شد. مرد جوان در بازجویی‌ها جرمش را انکار کرد تا اینکه در مراحل بعدی عرشیا به قتل کریم اعتراف کرد و گفت: او رقیب کاری‌ام بود و مدتی با هم اختلاف داشتم به همین خاطر نقشه قتل او را کشیدیم و با همدستی یکی از کارگرانم او را به قتل رساندم متهم در شرح ماجرا گفت: «سال‌ها با مقتول شریک بودم و در سوله‌ای در ورامین کاری می‌کردم. چند ماه قبل از حادثه به اختلاف حساب خوردیم و نتوانستیم مشکلمان را حل کنیم. این گذشت تا اینکه قبض آب و برق آمد و از آنجاییکه کریم فکر می‌کرد به او بدهکارم از من خواست آن را بپردازم. قبول نکردم و همین بهانه اختلافی دیگر شد.» متهم در ادامه گفت: قبض آب و برق را نه من پرداخت کردم و نه کریم به همین دلیل اخطار آمد و قرار بود آب برق سوله قطع شود. کار همه این اختلاف‌ها مقول به ترتیب مرد ایرانی به عنوان مظنون تحت تعقیب قرار گرفت و هفت‌ماه بعد از کشف جسد بازداشت شد. مرد جوان در بازجویی‌ها جرمش را انکار کرد تا اینکه در مراحل بعدی عرشیا به قتل کریم اعتراف کرد و گفت: «روز حادثه با کارگر که به نام حامد به سوله رفتم و وقتی با کریم صحبت کردم با هم درگیر شدیم. در آن درگیری از حامد خواستم او را سوار ماشین کنیم و به مکان خلوتی ببریم. مقتول را به اطراف شهر بردیم و سپس با یک بند او را خفه کردم. وقتی مقتول از نفس افتاد جسد را سوزانیدیم و بقایای جسد را دفن کردیم. سپس اموال او را سرقت کردیم تا ردی نماند.» با اقرارهای متهم، کارگرو وی بازداشت شد و به جرمش اقرار کرد. سپس دو متهم به اتهام مباشرت در قتل، جنایت بر میت و سرقت روانه زندان شدند و پرونده به شعبه بازدهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در اولین جلسه رسیدگی به پرونده، اولیای دم که پدر و مادر مقتول بودند

به شیشه خودروی ۲۰۷ ز که شاهرخ از خودرو پیداه شد و چند تیر دیگر به طرف او شلیک کرد و به سرعت از محل گریخت. پس از آن خودم را به سرعت به اورس رساندم و جسد خونینم را به بیمارستان بردم اما متأسفانه فوت کرد. همسر مقتول هم در تحقیقات پلیسی در انعامی گفت: شاهرخ از بستگان نزدیک من بود و مدتی قبل از او مقداری پول برای خرید خانه قرض گرفتیم و همین موضوع باعث اختلاف ما شد. او ۱۰۰ دقیقه قبل از حادثه با من تماس گرفت و گفت به



درخواست قصاص کردند سپس دو متهم خلاف اظهارات در دادسرا قتل را گردن هم انداختند و جرمشان را انکار کردند. بنابراین هیئت قضایی با توجه به اظهارات دو متهم آنها را اقصاص معاف و به پرداخت دیه محکوم کرد. این حکم به دیوان عالی کشور فرستاده شد اما به دلیل نقص در تحقیقات پرونده باز دیگر به همان شعبه ارجاع داده شد. صبح دوازدهم پرونده از میز هیئت قضایی همان شعبه قرار گرفت و اولیای دم یاد دیگر در خواست قصاص کردند. سپس عرشیا در جایگاه قرار گرفت و با انکار جرمش قتل را گردن کارگارش انداخت. در ادامه کارگرو وی نیز در جایگاه قرار گرفت و با انکار جرمش گفت: «من کارگر عرشیا بودم. روزی از من خواست مقتول را به اطراف سوله ببریم. وقتی به محل خلوتی رسیدیم از ماشین پیداه شدیم. سپس عرشیا از من خواست تا دست‌های مقتول را بگیرم و خودش با یک بند او را خفه کرد.» در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.